



«بهرام توکلی» متولد سال ۱۳۵۵ در تهران است؛ لیسانس کارگردانی تئاتر از دانشکده‌ی هنرهای زیبا و فوق‌لیسانس فیلمنامه‌نویسی از دانشگاه تربیت مدرس، یک کار داستانی کوتاه، دو مستند کوتاه و یک فیلم ۳۵ میلیمتری نیمه‌بلند در کارنامه‌ی خود دارد، فیلمنامه‌ی «بدو لولا بدو» را ترجمه کرده، دو مجموعه داستان به نام‌های «چکاد دایتی» (قله‌ی عدالت) و «زندگی خصوصی» داشته و هم‌اکنون مسئول انتشارات «سنا دل» است که در بخش سینما فعالیت می‌کند. «پابره‌نه در بهشت» اولین فیلم بلند توکلی در سینمای ایران محسوب می‌شود که به اکران سینماها درآمده است. این فیلم در جشنواره‌ی فیلم فجر و جشن خانه‌ی سینما جوایزی در بخش‌های مختلف به دست آورد. به مناسبت اکران فیلم به سراغ او رفتیم؛ این گفت‌وگو در یکی از اتاق‌های مؤسسه‌ی فرهنگی هنری سنا دل، در محیطی صمیمی، برگزار شد. ————— مجید شجاعی

گفت‌وگو با بهرام توکلی، کارگردان فیلم پابره‌نه در بهشت

وقتی یحیی پابره‌نه به بهشت می‌رود

فکری و تفاوت در شکل قضاوت از نگاه یحیی را نشان می‌دهد. شخصیت یحیی چگونه شکل گرفت؟ آیا ما به ازای بیرونی از چنین آدمی را داشتید؟

کسی را می‌شناسم که روحانی بوده و حالا معلم است؛ بخشی از شخصیت یحیی را از این آدم گرفتم. یحیی ترکیبی از دیده‌ها، مطالعات و شناخت من از آدم‌هاست. گاهی اوقات اتفاق می‌افتد که بعد از انتخاب بازیگر، شخصیت ساخته‌شده‌ی شما حتی بهتر شکل می‌گیرد؛ درباره‌ی یحیی هم این‌طور بود، هومن کمک بزرگی به من برای شکل‌گیری این شخصیت کرد.

هومن سیدی یک بازیگر حرفه‌ی است، بهتر نبود از یک نابازیگر استفاده می‌کردید تا مخاطب بدون پیش‌زمینه‌ی بازی، یحیی را ببینند؟ مانند کاری که رضا میرکریمی در زیر نور ماه کرد.

آقای میرکریمی توان خوبی در زمینه‌ی کار با نابازیگران دارد؛ بازی که از بچه‌ها در فیلم به همین سادگی گرفته فوق‌العاده است، اما من این توان را در خودم نمی‌بینم که از نابازیگران نتیجه‌ی خوبی بگیرم. نمی‌دانم چه‌طور باید یک نابازیگر را هدایت کنم تا به چیزی که در بازی به دنبالش هستم برسم. البته نیازی هم به سینمای بدون بازیگر نمی‌بینم. احساس می‌کنم کار با بازیگران حرفه‌ی برایم بسیار لذت‌بخش‌تر است.

عملکرد سیدی در نقش یحیی مورد قبول شما واقع شد؟ هومن از جمله بازیگرانی است که به مقوله‌ی بازیگری نگاه تازه‌تری دارد و بر همین اساس می‌تواند حضوری متفاوت داشته و بازی‌اش به این نوع سینما نزدیک باشد. حضور او در این فیلم برایم شیرین و راضی‌کننده بود.

یحیی در آن فضایی که گاه چراغ‌های نفتی وظیفه‌ی روشنایی بخشیدن به محیط را دارند، ضبط صوتی دارد که حرف‌هایش را برای آن می‌گوید؛ حالا چرا ضبط صوت؟!

بیماران پابره‌نه در بهشت دچار بیماری ایدز هستند، اما در هیچ جای فیلم نامی از این بیماری برده نمی‌شود؛ آیا تعمدی در این کار است؟

فیلم در مورد بیماری نیست، بیماری بهانه‌ی بود برای طرح درگیری آدم‌های فیلم؛ اگر نامی از ایدز می‌بردیم از مسیری که در ذهنم بود دور می‌شدیم و بهانه، به موضوع اصلی تبدیل می‌شد. با توجه به کارکردی که دکتر در فیلم دارد حس می‌کنم پرداخت بیش‌تری را می‌طلبید، اما دکتر خیلی در حاشیه است با وجودی که آدم مهمی در فیلم محسوب می‌شود!

درام ما درام یحیی است و بنابراین همه‌ی عناصر فیلم که دکتر هم یکی از آن‌هاست باید در خدمت او باشند، پس نمی‌بایست یحیی در درام به حاشیه برده می‌شد.

مرتضی نگهبان آسایشگاه با این که می‌داند بیماران آن‌جا مبتلا به ایدز هستند ولی خواستار ازدواج با معصومه یکی از بیماران آسایشگاه زنان است، این اتفاق چه توجیهی برای مخاطب دارد؟

زمانی من در فضایی مشابه این فیلم، مستندی کار می‌کردم. پرستار خانمی بود که می‌خواست با یک مرد بیمار ازدواج کند! وقتی از او پرسیدم چرا این کار را می‌کند گفت: «این مرد هنوز ده - پانزده سال دیگر زنده است و می‌توانم در این مدت با او زندگی کنم. من این زندگی را به این که سال‌ها بدون او باشم ترجیح می‌دهم». با نشان دادن روحیه‌ی چنین آدم‌هایی می‌توان فهمید تمام استدلال‌ها شبیه هم نیست و همین تنوع و تفاوت در نگاه به زندگی و معنی آن زیباست. در ضمن همه‌ی پرسوناژهای فیلم به نوعی تکمیل‌کننده‌ی روحیه‌ی یحیی هستند. مرتضی به یحیی می‌گوید: «به هر کسی می‌گویم که می‌خواهم با معصومه ازدواج کنم می‌گوید تو دیوانه‌ی!» مرتضی حتی انتظار دارد یحیی هم او را دیوانه فرض کند، اما یحیی چنین جمله‌ی نمی‌گوید و همین بخشی دیگر از تفاوت‌های روحی و



دیگری از آن نگرینت؛ متأسفانه این روزها در تقد‌های سینمایی این مهم لحاظ نمی‌شود. باید به این موضوع دقت کنیم که دنیای فیلم‌ها، شکل شخصیت‌پردازی‌ها و میزان قطعیت در نگاه و نوع نزدیک شدن به حوادث فیلمنامه‌ها در انواع سینما با هم متفاوت است، نباید همه‌ی فیلم‌ها را با یک خط‌کش مورد ارزیابی قرار داد. متأسفانه امروز گاه شاهد تلاش بعضی منتقدان برای ارایه‌ی یک شکل از سینما به عنوان سینمای مطلوب هستیم و فراموش می‌کنیم که در هنر، یکسان‌سازی نه معنی دارد و نه نتیجه؛ در کنار هم بودن انواع فیلم‌ها زیباست و به یاد داشته باشیم ذهن و قضاوت ما نباید به سمت حذف و یا تحقیر هیچ‌گونه‌ی از سینما متمایل باشد، همه‌ی انواع فیلم‌ها ارزشمند، محترم و در محدوده‌ی کارکرد خود لازم هستند. از کارهای جدیدتان بگویید.

در اسفندماه سال گذشته پروانه‌ی ساخت فیلمنامه‌ی اسب‌های چوبی را به تهیه‌کنندگی جواد نوروزبیگی گرفتم و در حال حاضر مراحل پایانی بازنویسی را انجام می‌دهم. امیدوارم این فیلم قبل از پاییز کلید بخورد، چرا که با توجه به فضای فیلمنامه کار باید پیش از شروع سرما تمام شود.

و حرف آخر این گفت‌وگو ...

تشکر ویژه از پڑمان لشگری‌پور، سعید لطفی و حسن عباسی در مؤسسه‌ی فرهنگی هنری سناه، که شروع تولید فیلم بدون حمایت‌های آن‌ها شدنی نبود و از آقای حقگو در حوزه‌ی هنری و آقایان رضا داد و رضا بالا در بنیاد فارابی، که زحمات زیادی برای این فیلم در مقطع تولید کشیدند ■

خیلی‌ها برای ثبت اتفاقات روزانه‌ی خود دفترچه‌ی خاطرات دارند؛ ضبط صوت، دفترچه‌ی خاطرات یحیی است.

پیرزن مستخدم و پسر شاعر و شوهر پیرش ویژگی‌های شخصیتی جالبی دارند، ولی دوربین فقط یک بار به خانه‌شان می‌رود؛ چرا پرداخت بیش‌تری نسبت به این خانواده نداشتید؟

به این خاطر که باز هم می‌خواستیم یحیی در حاشیه قرار نگیرد، اگر بیش از این به خانواده‌ی زن می‌پرداختیم کار از فضای اطلاع‌رسانی محدود خارج می‌شد.

با توجه به این که اکثر سکانس‌های فیلم داخلی است و تعداد لوکیشن هم در فیلم زیاد نیست، کار دکوپاژ باید برای شما سخت بوده باشد؛ با چه تمهیداتی سعی کردید که فیلم از ریتم و ضرب‌آهنگ نیفتد؟

تنها تمهیدی که به کار بستم وفاداری به فیلمنامه بود! باید در مقام کارگردان چیزی را که فیلمنامه از شما می‌خواهد به نتیجه برسانید، تطابق ریتم درونی و بیرونی کار باید به‌گونه‌ی باشد که ساختار کلی فیلمنامه به نتیجه‌ی مطلوب برسد و در این راه میزانشن که شامل ابزارهایی چون دکوپاژ، تدوین و ... است ابزار اصلی شماست.

سینمای پابره‌نه در بهشت سینمای خاصی است و ممکن است مخاطب عام هنگام تماشای فیلم به بعضی از کدهای شما نرسد؛ البته این مشکل جنس سینمای شما نیست، مشکل سینمای ماست که در آن فیلم‌های عاشقانه‌ی سطح پایین حرف اول را می‌زنند!

هیچ‌وقت نمی‌شود با نگاهی که به نوعی از سینما وجود دارد به نوع